

به نام خدا

جمعیت و فرزندآوری

مولفان:

الهه صادقی صاحب زاد

(استادیار گروه مامایی و بهداشت باروری دانشگاه علوم پزشکی ایران)

کوثر علی زاده

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : صادقی صاحب زاد ، الهه ، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآورندگان : جمعیت و فرزندآوری / مولفان: الهه صادقی صاحب زاد ، کوثر علی زاده
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۰۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۵۲۷-۷
شناسه افزوده: علی زاده ، کوثر ، ۱۳۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : جمعیت - فرزندآوری
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : جمعیت و فرزندآوری
مولفان : الهه صادقی صاحب زاد - کوثر علی زاده
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
چاپ : زبرجد
قیمت : ۱۳۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۵۲۷-۷
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

۷	مقدمه
۹	فصل اول: اهمیت فرزندآوری در پایداری خانواده و جمعیت
۱۱	لزوم مشارکت والدین در تربیت فرزندان
۱۳	خونواده نوین و جمعیت جوان
۱۷	فصل دوم: عوامل روان‌شناختی مؤثر بر فرزندآوری
۱۸	زنده شدن ایام خردسالی والدین
۲۰	رشد شخصیت والدین
۲۱	گسترش ارتباطات
۲۱	تعامل با سایر والدین
۲۱	تعامل دوباره با خویشاوندان
۲۱	ارتباط با متخصصان
۲۲	شادی والدین
۲۲	نظریه معنا در زندگی
۲۲	دلایل روانشناختی افزایش شادی والدین:
۲۳	افزایش مسئولیت سایر کودکان
۲۴	نظریه انتقال جمعیتی
۲۴	نظریه اقتصاد مراقبت
۲۴	مفهوم سواری گرفتن از دیگران
۲۷	فصل سوم: رضایت زناشویی و ارتباط آن با فرزندآوری

۲۷	رضایت زناشویی و سلامت روان
۲۷	رضایت زناشویی و ناباروری
۲۸	نقش مداخلات روان‌شناختی
۲۸	تأثیر بارداری و فرزندآوری بر رضایت زناشویی
۲۸	عوامل مؤثر در تعامل رضایت زناشویی و باروری
۳۳	فصل چهارم: معایب و پیامدهای تک‌فرزندی
۳۳	ضعف‌های تربیتی در تک‌فرزندی
۳۵	ضعف در مهارت جستجوگری و کشف محیط
۳۵	القای اهداف و آرزوهای نرسیده خود به فرزند
۳۵	پیامدهای فردی
۳۶	وابستگی
۳۷	پیامدهای خانوادگی کم‌فرزندی
۳۸	پیامدهای اجتماعی کم‌فرزندی
۴۰	عوامل زمینه‌ساز تک‌فرزندی
۴۱	معایب درک شده تک‌فرزندی
۴۳	فصل پنجم: شاخص‌های بهداشتی مرتبط با جمعیت و سلامت جامعه
۴۳	شاخص‌های باروری
۴۷	شاخص‌های مرگ و میر
۵۱	فصل ششم: ناباروری، عوامل و درمان
۵۱	تعریف ناباروری

۵۱	علل ناباروری
۵۲	علل مربوط به زنان:
۵۲	ناباروری مردان:
۵۴	اهمیت موضوع از ابعاد مختلف
۵۶	اهمیت روان‌شناختی ناباروری
۵۶	اهمیت اجتماعی ناباروری
۵۷	اهمیت اقتصادی ناباروری
۵۷	اهمیت جمعیتی ناباروری
۵۷	مدیریت و درمان ناباروری
۶۱	داروهای باروری
۶۵	فصل هشتم: سقط جنین و قوانین مرتبط با آن در ایران
۶۵	تعریف سقط
۶۵	علل سقط
۶۵	سقط خود به خودی
۶۹	سقط‌های عمدی
۷۳	قوانین و سیاست‌های مربوط به سقط جنین
۷۵	جرم‌انگاری سقط جنین در قوانین کیفری
۷۸	تبعات قانونی برای افراد دخیل در سقط جنین
۷۹	فصل نهم: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت
۹۵	منابع

مقدمه

جمعیت و فرزندآوری از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های نظام اجتماعی هستند که نقش کلیدی در بقا، پایداری و پیشرفت جامعه ایفا می‌کنند. تغییرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر منجر به تغییر نگرش‌ها و الگوهای فرزندآوری شده است و همین امر ضرورت بررسی ابعاد گوناگون این پدیده را پررنگ‌تر می‌سازد. خانواده اولین واحد جامعه و نخستین نهاد اجتماعی است و حفظ و ارتقاء سلامت باروری زوجین در مسیر تقویت و تحکیم خانواده و تداوم چرخه باروری، زیربنای اساسی توسعه اقتصادی اجتماعی هر کشور است.

سلامت باروری، وضعیت خوب بودن از لحاظ جسمی، روانی و اجتماعی فرد در رابطه با فرایند و عملکرد تولید مثل و باروری است و تنها نداشتن بیماری نیست. از این رو، توجه به همه ابعاد سلامت باروری و حمایت از خانواده، مادر و کودک منجر به بهبود شاخص‌های سلامت و همچنین شاخص‌های جمعیتی می‌گردد. در حال حاضر، کشور با چالش‌های جدی مسائل جمعیتی همچون تأخیر در ازدواج، تأخیر در فرزندآوری، عدم تمایل به فرزندآوری، تک فرزندی، قانع بودن به دو فرزندی، افزایش ناباروری، روند صعودی متوسط سن ازدواج در سال‌های اخیر و تأخیر طولانی در تولد فرزند اول (بیش از ۵ سال پس از ازدواج) و همچنین فواصل طولانی بین تولد فرزندان مواجه شده است. این مسائل منجر می‌شود فرصت‌های مناسب برای بارداری اول و بارداری‌های بعدی از دست برود و به نوبه خود محدود شدن فرزندآوری را به دنبال داشته باشد. همچنین اگر زوجین در آغاز زندگی دارای مشکلات باروری باشند، ایجاد فاصله طولانی بین ازدواج و تولد اولین فرزند موجب خواهد شد که مشکل ناباروری برای مدت طولانی‌تری از نظر پوشیده بماند و طبیعتاً درمان‌های بعدی را نیز با مشکلات بیشتری روبرو کند. از سوی دیگر، کشور با بحران کاهش باروری، کاهش نیروی مولد و جوان در آینده و همچنین پیشروی جمعیت کشور به سمت سالمندی مواجه شده است. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که نرخ باروری کلی کشور در طی این سال‌ها شیب نزولی سریعی را داشته است. سال ۱۴۰۱ این میزان به ۶۶/۱ رسیده و این روند کاهشی همچنان ادامه داشته و با سطح جانشینی ۵/۲ فاصله زیادی دارد.

با توجه به کاهش نرخ باروری و مشکلات ناباروری به عنوان یکی از علل مهم آن، حل مشکل ناباروری زوجین، نه تنها به افزایش نرخ رشد باروری و ارتقای سلامت جسمی آنان کمک خواهد نمود، بلکه سبب خواهد شد تا سلامت زوجین نابارور و خانواده‌های آنان در سایر ابعاد سلامت

مانند ابعاد اجتماعی، روانی و معنوی ارتقاء یابد. با توجه به بند ۱ سیاست‌های جمعیتی ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۳۰ مبنی بر ارتقاء، پویایی و بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری و نیز سند بین‌المللی اهداف توسعه هزاره (منتشر شده در سال ۲۰۰۰) دسترسی همه افراد به خدمات درمان ناباروری ضروری است.

یکی دیگر از مسائل حائز اهمیت در حیطه جمعیت و فرزندآوری مسأله سقط جنین است که به یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات در حوزه‌های مختلف حقوق، اخلاق، دین، سلامت عمومی و سیاست‌های جمعیتی بدل شده است. با افزایش آمار بارداری‌های ناخواسته، نگرانی‌های پزشکی در مورد سلامت مادر و کودک، و تحولات حقوق بشر، نگاه جهانی به سقط جنین دچار تغییراتی بنیادین شده است. از این رو آگاهی بخشی زوجین در رابطه با سقط و بارداری ناخواسته باید جزئی از اولویت سیاست‌های افزایش جمعیت باشد.

فصل اول

اهمیت فرزندآوری در پایداری خانواده و جمعیت

فرزندآوری فراتر از یک تصمیم شخصی، نقشی حیاتی در تداوم فرهنگ، زبان، ارزش‌ها و سرمایه‌های اجتماعی دارد. تولد کودک علاوه بر ایجاد نشاط و امید در خانواده، روابط عاطفی را استحکام بخشیده و مأموریت انتقال فرهنگ و هویت را تحقق می‌بخشد.

خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی و بنیادی‌ترین رکن جامعه، نقش اصلی را در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای فرزندآورانه ایفا می‌کند. تغییرات ساختاری و گذار از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای، کاهش نرخ باروری و گرایش به تک‌فرزندی یا بی‌فرزندی را در پی داشته است. سیاست‌های ملی همچون قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت باید با تقویت نقش همزمان پدر و مادر، به ایجاد بسترهای اقتصادی، فرهنگی و روانی لازم برای گرایش خانواده‌ها به فرزندآوری کمک کنند.

مسئله جمعیت و توجه به بنیان خانواده، یکی از اساسی‌ترین مباحثی است که در هر جامعه‌ای مطرح است و هر کشور و تمدنی برای بقای خود باید به این مسئله توجه داشته باشد. در کشورمان نیز با توجه به اهمیت این موضوع و همچنین تأکیدات رهبر معظم انقلاب هر سال یک هفته به نام هفته جمعیت نامگذاری شده است. هفته جمعیت در سال جاری از ۲۴ تا ۳۰ اردیبهشت ماه جاری و با شعار «نقش من در جوانی ایران» اعلام شده است که بدین منظور برنامه‌های مختلفی هم از سوی سازمان‌ها و نهادها در سطح کشور اجرا می‌شود.

تاکنون تعاریف متعددی از خانواده ارائه شده است، تعداد قابل توجهی از صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که خانواده واحدی است متشکل از یک زوج که با پیوند مورد تأیید جامعه از طریق ازدواج، هم‌خوانی یا پذیرش در ارتباط متقابل قرار گرفته، با هم زندگی کرده، زاد و ولد داشته و به تربیت فرزندان می‌پردازند.

نکته حائز اهمیت این است که در فرایند استقرار مدرنیته و گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن، بسیاری از عناصر مهم سنتی ساختار فرهنگی جامعه، در هم شکسته شده و عناصر و ساختارهای

جدیدی جایگزین آن‌ها می‌شود که یکی از ابعاد مهم این تغییر و تحولات فرهنگی در جامعه، تغییر ارزش‌های سنتی و مدرن در حوزه خانواده است.

خانواده از کانون‌های تغییرات ارزشی جامعه محسوب می‌شود. در ایران هم به نوعی کمرنگ شدن سنت و رواج آزاداندیشی‌های نوین در حوزه خانواده رخ داده است که می‌تواند جنبه‌های مثبت و منفی به همراه داشته باشد.

به نظر می‌رسد خانواده از نظامی تولیدی به واحدی اجتماعی مبدل شده و از لحاظ ساختاری، کارکردی و جمعیتی دستخوش تغییراتی شده است که این تغییر، خود ناشی از تغییر نظام اجتماعی از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و به دنبال آن تضعیف خانواده گسترده و شکل‌گیری خانواده هسته‌ای است.

خانواده نخستین نهاد بشری و تنها نهاد طبیعی ای است که عنصر تشکیل دهنده آن اشخاص و افراد انسانی است که دارای ارتباط روحی و اجتماعی‌اند. بر اساس عقد نکاح، از یک سو تعهدی اخلاقی میان دو نفر شکل می‌گیرد که ضامن اجرای آن محبت و احترام متقابل است و از سوی دیگر، نوعی قرارداد اجتماعی ایجاد می‌شود که به موجب آن حقوق و تکالیفی متوجه افراد می‌شود. از ابتدای ده ۱۳۹۰ شمسی و به دنبال ارائه آمارهای مختلف در زمین کاهش رشد جمعیت و حرکت هرم جمعیتی به سمت سالمندی، مقام‌های مختلف نسبت به ضرورت تغییر در سیاست‌های جمعیتی اظهار نظر کرده‌اند. تدوین و ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت در سال ۱۳۹۳ را که به منظور جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و باروری انجام شد، می‌توان در همین جهت ارزیابی کرد. در کنار این برنامه‌ها، سیاستگذاران نیز تلاش کردند تا از طریق سیاست‌های تشویقی، زمینه افزایش جمعیت را فراهم آورند. افزایش مدت مرخصی زایمان مادران از شش به نه ماه، اعطای مرخصی تشویقی به پدران در ازای تولد هر فرزند و تأمین و پرداخت هزینه‌های ناشی از افزایش مدت مرخصی به سازمان تأمین اجتماعی، بخشی از اقداماتی است که در راستای این امر انجام شده است. در کنار این مصوبات، تلاش شد تا از طریق تصویب قانون خاص، دامنه راهکارهای تشویقی و حمایتی گسترش پیدا کند. از این رو، در سال ۱۳۹۲ طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده به مجلس شورای اسلامی ارائه شد. هرچند در مجالس مختلف، اقداماتی جهت تصویب این طرح انجام شد، اما به دلایل متعدد تصویب نشد.

در مجلس یازدهم، بار دیگر طرح جدیدی با عنوان طرح جوانی جمعیت و تعالی خانواده از سوی تعدادی از نمایندگان تقدیم مجلس شد. هرچند در نسخه اولی این طرح، تمرکز بر افزایش و توسعه تدابیر تشویقی و حمایتی از قبیل افزایش سنوات مجاز تحصیلی بانوانی که در دوران دانشجویی وضع حمل می‌کنند، افزایش سالیانه کمک هزینه اولاد، اعطای وام قرض الحسنه و کمک بلاعوض مالی بود، ولی در ادامه، مباحث دیگری مانند محدودیت غربالگری، ممنوعیت ارائه رایگان وسایل پیشگیری از بارداری و مانند آن نیز به متن طرح اضافه گردید. این در حالی است که افزایش جمعیت و فرزندآوری ذاتا مقوله‌ای دستوری و قهری نیست و بیش از آنکه نیازمند ابزارهای واکنشی باشد، مقوله‌ای چندوجهی و مستلزم افتناع، فرهنگ سازی، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، ارتقای شرایط اقتصادی جامعه، ایجاد امنیت خاطر و تقویت نگاه خوش بینانه به آینده است.

این قانون که در آخرین بازگشت از شورای نگهبان به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت تغییر نام یافت، متضمن برخی تدابیر کیفی است و در آن تلاش شده است تا در کنار استفاده از تدابیر تشویقی، از طریق ساز و کارهای کیفی، افزایش جمعیت کشور محقق شود. گرچه اغلب ضمانت اجراهای کیفی پیش بینی شده در این قانون به نوعی با سقط جنین مرتبط است، اما در عین حال در کنار این تدابیر، در ماده ۷۱ نیز جرایم جدیدی در زمینه استنکاف از اجرای قانون و نیز اهمال یا ترک فعل یا ممانعت از اجرای احکام قانون پیشبینی شده است. هرچند این قانون در صحن علنی مجلس مطرح نشده است و نمی‌توان مراد اصلی تدوین کنندگان آن را در توسعه جرایم مرتبط با سقط جنین دریافت، ولی نگاهی به گفتمان نمایندگان در رسانه های گروهی پس از تصویب این قانون، نشان می‌دهد که نگرانی آنان از آمار بالای سقط جنین، یکی از دلایل اصلی جرم انگاری‌های جدید است.

لزوم مشارکت والدین در تربیت فرزندان

با دقت در آیات، روایات و آموزه‌های دینی مشخص می‌شود که تربیت تکلیفی والدینی است و هر جا سخن از تربیت است، تفاوتی بین پدر و مادر نیست. در ادامه، برخی از این مصادیق ابتدا در منابع فقهی حقوقی و سپس از منظر روانشناسی بیان خواهد شد:

الف- از منظر فقه و حقوق:

قرآن: قرآن کریم در آیه ۲۴ سوره مبارکه اسراء به تربیت توسط پدر و مادر اشاره کرده است «و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو: پروردگارا، چنانکه پدر و مادر، مرا از کودکی به مهربانی پروردند، تو در حق آن‌ها رحمت و مهربانی فرما». در تفسیر این آیه نکات لطیف بسیاری وجود دارد، از جمله اینکه پدر و مادر باید بر اساس محبت فرزندان را تربیت کنند.

ب- روایات: حضرت رسول در روایت‌هایی تربیت همراه با مهربانی و عطف را به هر دوی والدین گوشزد فرموده‌اند. قبل از آنکه عقل کودک به تکامل برسد و قادر به درک مطالب علمی باشد، ضمیر او پذیرای فطرت توحیدی و عواطف اخلاقی است و برای پذیرش تربیت آماده است. از این رو، لازم است پدر همراه با مادر به این فرصت مهم توجه کند و پیش از آنکه عقل کودک کامل شکوفا شود و در راه تحصیل علم و درک حقایق عقلانی قدم بردارد، در روان وی، ایمان به خدا و سجایای اخلاقی را پرورش دهند. پدر به عنوان حلقه اتصال خانواده با جامعه، بیشترین نقش را در تربیت اجتماعی فرزندان و ایجاد مهارت‌های اجتماعی در آنان دارد. اهمیت نقش پدر از چند زاویه قابل توجه است:

- پدر مفاهیم و اصول اخلاق اجتماعی را به فرزند آموزش می‌دهد و مصادیق آن را مانند، احسان، ایثار، تعاون و... به کودک معرفی می‌کند. وی با روشی مناسب کودک را به سوی این ارزش‌ها سوق می‌دهد.
- پدر به عنوان مظهر اقتدار از نظر کودک باید خود الگوی رفتاری باشد که کودک را به آن راهنمایی می‌کند.

قانون مدنی نیز در مورد حضانت و ولایت پدر موادی را مطرح کرده است که از جمل آن ماده ۱۱۷۸ است: ابوبن مکلفند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند. مطابق با ماده ۱۱۰۴ قانون مذکور نیز زوجین باید در به پا داشتن مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر همکاری کنند. بر مبنای اطلاق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، ولایت اطفال چه سالم و چه معلول، با پدر و جد پدری است (ولایت قهری). در گذشته ولایت طفل به مادر نیز محول می‌شد، اما پس از انقلاب ولایت مادر که در مادام ۱۵ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ پیشینی شده بود، لغو گردید. بنابراین، در وضع کنونی و نظام فعلی حقوق ایران، منحصرأ پدر و جد پدری تا سن بلوغ کودک بر او ولایت دارند. اگر کودک بعد

از بلوغ، مجنون یا سفیه شود و سفه و جنون وی متصل به زمان صغر باشد، در این صورت نیز برابر با ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، ولایت بر فرزند ادامه پیدا می‌کند و اگر پدر و جد پدری در قید حیات نباشند و برای نگهداری و تربیت فرزند تحت ولایت خود وصی نیز منصوب نکرده باشند، در این صورت، قیم منصوب از جانب دادگاه وظایف ولایت را برعهده خواهد داشت. در این صورت، ممکن است دادگاه مادر کودک را قیم وی تعیین کند. بر این اساس، می‌توان چنین گفت که پدر نسبت به مادر وظایف سنگین تری در تربیت بر عهده دارد. در فقه امامیه، ولایت پدر و جد پدری بر سه قسم است: نخست، ولایت بر مال که به معنای تدبیر شئون مالی و حفظ آن بدون سوءاستفاده و تصرف در آن است. دوم، ولایت بر نفس یعنی اشراف بر شئونی که مربوط به شخص است، مانند حضانت. سوم، ولایت بر ازدواج.

خونواده نوین و جمعیت جوان

شکل جدید خانواده، ارزش‌های جدیدی را نیز به همراه خود داشته است که متفاوت از ارزش‌های خانواده گسترده و سنتی است. ورود نوسازی و گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن در کشور ما تغییرات ارزشی، اهمیت فردگرایی و انتخاب‌های آزادانه را گسترش داده است که سبب شده سبک زندگی خانواده‌ها تغییر کند.

یکی از مباحثی که امروز در بحث خانواده مطرح می‌شود، مربوط به فرزندآوری و کاهش باروری است، این سقوط جمعیتی خطرانی به دنبال دارد. امروزه شاهد هستیم که برخی زوجین، ترجیح می‌دهند فرزندی نداشته باشند یا فرزندآوری را به تأخیر بیندازند، برخی دیگر فاصله بین مولید را افزایش می‌دهند، برخی از آن‌ها تک فرزندی را انتخاب کرده و زوجین مسن‌تر نیز فرزندآوری را متوقف می‌سازند. تداوم این روند به تدریج ساختار سنی جمعیت را از وضعیت جوانی خارج کرده و آن را به سوی سالخوردگی قریب‌الوقوع سوق خواهد داد که خود یک نگرانی بسیار جدی است.

به موازات پایین آمدن فرزندآوری و حضور سالمندان در جامعه، نیروی کار به شدت دچار افت و ضعف خواهد شد و این امر، دولت‌ها را با چالش بسیار جدی مواجه ساخته و بار اکثریت افراد جامعه بر دوش اقلیت (نیروی جوان که با کاهش جمعیت مواجه شده است)، سنگینی خواهد کرد.

البته لازم به ذکر است که چگونگی مواجهه با نیازهای فزاینده پیش روی سالمندان آینده، یکی از چالش‌های جدی است که از همین الان باید فکری به حال آن کرد و با برنامه‌ریزی مناسب و سیاستگذاری اثربخش، از آسیب‌های محتمل جلوگیری به عمل آورد، چرا که در هر صورت، به دلیل افزایش امید زندگی، حتی با افزایش باروری و فرزندآوری، بخش عظیمی از جمعیت ما سالخورده خواهند شد و باید برای آنان برنامه‌ریزی شود.

چه دلایلی باعث کاهش باروری در جامعه ما شده است و چه پیشنهادی می‌توان داشت؟ این موضوع قطعاً دارای ریشه‌ها و بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی بوده که شایان تأمل و قابل بررسی است. مطالعات متعدد درباره دلایل کاهش باروری سخن گفته‌اند. توسعه و رواج روش‌های پیشگیری از بارداری در میان زوجین، تمایل زوجین به تنظیم خانواده و اهمیت بیش از پیش آن، گرایش به تحصیلات بالاتر، موانع و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی، ارزش‌های فردگرایانه، تحرک اجتماعی، افزایش سن ازدواج، شهرنشینی، وضعیت اشتغال، درآمد، ظهور اندیشه‌های مدرن و باورهای مثبت نسبت به خانواده کوچک، تغییر سبک زندگی و تضعیف یا از دست رفتن کارکرد اقتصادی فرزندان، برخی از عوامل سوق‌دهنده زنان و مردان به سوی کاهش فرزندآوری است.

آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال، برابری و عدالت، کشاورزی و تغذیه، مسایل اکولوژیک و زیست محیطی، حاشیه‌نشینی و پیامدهای آسیب‌شناختی آن مانند فقر، کودکان خیابانی، کارتن‌خواب‌ها از جمله مفاهیمی است که با موضوع جمعیت و پویایی آن مرتبط است.

به‌طور حتم جوان بودن جمعیت یک امتیاز محسوب می‌شود اما کیفیت جمعیت جوان به معنای بسترسازی برای مشارکت در فرآیند توسعه به مراتب مقوله مهم‌تری بوده که ضروری است تا برنامه‌ریزان و مسئولان مرتبط به آن نگاه ویژه‌ای داشته باشند.

در نهایت اینکه کاهش باروری، ماهیت پیچیده‌ای داشته و تصمیم به فرزندآوری نیز دارای پیچیدگی‌های خاص خود و تحت تاثیر عوامل متنوع است، لذا زمانی می‌توان به نتیجه مطلوبی رسید که سیاست‌های جمعیتی نیز متناسب با همین پیچیدگی باشد و با رویکردی جامع و همه جانبه به ریشه‌ها و بسترهای این پدیده نگریست.

قانون مذکور در راستای حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، حرجهای حمایتی متعددی مطرح کرده است که هرکدام در جای خود قابل تحلیل و بررسی است. گرچه این قانون، همانطور که از عنوان آن نیز برمی آید، ابتدا در صدد حمایت از خانواده است، اما باید دقت کرد که در بعضی از موارد، عدم توجه یا کم توجهی به جایگاه پدر خانواده، حمایت از کل خانواده را دچار اختلال می‌کند. حتی می‌توان گفت عدم توجه به جایگاه پدر ایفای وظایف مادری را نیز در بعضی موارد با مشکل مواجه می‌سازد و مانعی بر سر راه تحقق هدف اصلی این قانون، یعنی حمایت از خانواده و جوانی جمعیت خواهد بود. در ادامه به توضیح و تحلیل بیشتر این موارد پرداخته خواهد شد. حضور پدر در خانواده بر پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی کودک، تحول نقش جنسی، تحول اخلاقی یا وجدانی و پیشگیری از آسیب‌های روانی وی دارد و غیبت و عدم حضور او با اختلال در هریک از این ابعاد همراه است. نقش پدر در شکل‌گیری شخصیت کودک همچون پلی است که دنیای وسیع بیرون را به دنیای درونی کودک متصل می‌سازد. این اتصال در شکل‌گیری نقش‌های اجتماعی کودک در آینده بسیار تأثیرگذار است. انسان موجودی اجتماعی است و به تربیت اجتماعی مناسبی برای آشنایی با مسئولیت‌ها و وظایف اجتماعی خود نیاز دارد. تربیت اجتماعی کودک زیرمجموع تربیت خانوادگی است. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با پرداختن به موارد مهمی از قبیل ارائه تسهیلات به جوانان در آستانه ازدواج و زوجین جوان، کمک به درمان زوجین نابارور، حمایت از زنان و مادران در دوران بارداری و شیردهی، ارائه تسهیلات در ازای تولد هر فرزند، حمایت از مادران شاغل و غیرشاغل، حمایت از مادران دانشجو و... گام بزرگی در راستای افزایش جمعیت کشور برداشته است. اما باتوجه به تمرکز این پژوهش بر خلاء جایگاه پدر در برخی مفاد این قانون، در ادامه به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از نظر توجه به جایگاه پدران مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. قانون مذکور دارای امتیازهای ویژه و مناسبی جهت افزایش مولید و در نتیجه جوانی جمعیت است، اما آنچه اهمیت دارد، این است که تمرکز ویژه مفاد قانون بر نقش مادری نباید به گونه‌ای باشد که موجب تضعیف نقش و جایگاه پدر شود. زیرا در بسیاری از موارد، عدم توجه به جایگاه پدر موجب نقض غرض می‌شود و تنها گذاشتن مادران در رابطه با امور فرزندآوری، نه تنها مشوقی برای آنها نیست، بلکه توان آنها را نیز کاهش خواهد داد. همچنین، باتوجه به نقش‌های مهمی که پیش از این، قانونگذار برای پدران در موارد حضانت و ولایت قائل شده است، عدم توجه به جایگاه پدران در قانون جدید باعث ایجاد تعارض می‌شود. برخی از